



9 دسمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش پنجم)

بی اعتمادی انگلیسها بر اخلاف امیر عبدالرحمن خان:

تا زمانیکه انگلیس ها زمام نیم قاره هند را در دست داشتند و "بازی بزرگ" بین دو قدرت رقیب - روس و انگلیس دوام داشت، افغانستان به حیث یک کشور حایل برای انگلیسها از اهمیت بسزا برخوردار بود و چون دیگر زمینه لشکرکشی برای آنها میسر نبود، لذا در آن فکر بودند که افغانستان را زیر اداره یک حکومت قوی مرکزی و اما دوست و طرفدار خود نگهدارند که در امور داخلی آزاد و در امور خارجی وابسته به خود شان باشد. برای این هدف انگلیسها از زمان امیر عبدالرحمن خان سعی و تلاش داشتند و برای تداوم آن نیز همیشه در صدد اقدام بودند. در سال 1273 ش (1894 م) وقتی جورج کرزن (بعداً لارڈ کرزن) از مریضی امیر عبدالرحمن خان آگاه شد، فوری به افغانستان سفر کرد و طی یک نشست از امیر که تا آنوقت نخواستہ بود دربارهٔ جانشین خود اظهار نظر کند، صریحاً پرسید که جانشین او کی خواهد بود؟ امیر راز دل خود را مبنی برگماشتن سردار حبیب الله خان به او گفت. کرزن ظاهراً آرام شد. (امیر عبدالرحمن خان: "تاریخ افغانستان - تاج التواریخ"، جلد اول و دوم، چاپ جدید، پشاور 1375، صفحه 292)

لارڈ کرزن سپس در نامه ای در ماه قوس 1277 ش (دسمبر 1898 م) به امیراطمینان داد که امارت پسرش را قبول دارد و علاوه کرد که: «لشکر برتانیه در صورتیکه حبیب الله تقاضا کند، آماده خواهد بود برای کمک به او بسوی جلال آباد حرکت کند؛ سرداران افغان که در حال تبعید در قلمرو برتانیه زندگی میکنند، زیر مراقبت گرفته میشوند، در صورتیکه حبیب الله موفق گردید بر مسند فرمانروائی بنشیند، بحکومت روسیه اطلاع داده خواهد شد که از نگاه سیاست بین المللی موقف افغانستان همانست که بود.» لارڈ کرزن در نامه خود تصریح کرد: «از آنجائیکه تعهدات برتانیه و امیر عبدالرحمن خان شخصی بود، لازم است حالا تعهدات جدید بر اساس روحیه کاملاً تازه عقد گردد.»

لارڈ کرزن میخواست در معاهده جدید امتیازات ذیل را از حبیب الله خان بدست آورد: 1 - تصفیه و تصحیح سرحد افغان و هند برای مقاصد سوق الجیشی؛ 2 - ترتیبات برای حصول معلومات در امور خارجه افغانستان از جمله حرکات عساکر، تقسیم و توزیع نیروهای نظامی، تسلیحات و مهمات حربی؛ 3 - کنترل تهیه اسلحه و تضمین اینکه این اسلحه علیه هند استعمال نشود؛ 4 - بهبود ارتباطات بین هند، قندهار و کابل و اطلاعات دربارهٔ جاده ها و تمام راه های افغانستان؛ 5 - قطع کمک واقعی و لفظی به مردمان قبایل سرحدی داخل قلمرو برتانیه؛ 6 - تأسیس نمایندگی افسران برتانیه در طرح پلانهای دفاعی در برابر روسیه. (آدامک، لودویک: "تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال"، ترجمه: علی محمدزهما، چاپ جدید، پشاور، صفحه 35 آ 36)

شهزاده حبیب الله که پس از وفات پدر بدون مشکل بر تخت سلطنت تکیه زد و بتاريخ 12 میزان 1280 ش (4 اکتوبر 1901) خطبه بنام وی خوانده شد، به نائب السلطنه هند برتانوی جداً توصیه کرد

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

که از پیشرفت بسوی سرحد اجتناب کند. حکومت هند با ارسال تعزیت نامه از امیرجدید خواست هیئتی را از طرف حکومت هند در کابل جهت مذاکرات راجع به معاهده جدید پذیرا شود. امیر در جواب نوشت که معاهده پدرش را با حکومت برتانیه تا زمانیکه حکومت برتانیه به آن وفا دار باشد، محترم می شمارد. لاردر کرزن در نامه بعدی خود به امیرحبیب الله خان وانمود کرد که چون شرایط معاهده 1880 با امیرعبدالرحمن خان یک معاهده شخصی بود و در مورد امیر جدید تطبیق نمیشود، لذا تا وقتیکه معاهده جدید صورت نگیرد، امیر نمیتواند از حمایت و اعانه برتانیه برخوردار گردد. اما امیر جدید استدلال میکرد که: چون در زمان فوت ملکه ویکتوریا لازم نیفتاد معاهده تجدید نظر گردد، به همان منوال بعد از فوت پدرش لزومی به تجدید معاهده دیده نمیشود. لاردر کرزن ناگزیر به دلیل آغاز مذاکرات هیئت مکهمان و حل معضله سیستان بین ایران [آنوقت فارس] و افغانستان لازم دید تا موقتاً موضوع معاهده جدید را به تعویق اندازد. (مأخذ بالا... صفحه 37 تا 39)

در این موقع روسیه آرزومند برقراری روابط مستقل تجارتي با افغانستان شد؛ پس از مباحثات زیاد در 29 جنوی 1902 حکومت برتانیه بطور شفاهی از طریق سفیر خود به جانب روسیه اطمینان داد که: «حکومت اعلیحضرت برتانیه آرزو ندارد روی این موضوع با روسیه نزاع نماید...، لیکن از آنجائیکه زمام امور روابط خارجی (افغانستان) را برتانیه در دست دارد، ترتیباتی که اندرین زمینه صورت میگیرد، بایستی با موافقت برتانیه عملی گردد. ترتیبات آن به روسیه واگذار میشود، به شرطیکه روسیه ضمانت کند که هرگونه روابط آن با افغانستان از خصوصیت سیاسی عاری باشد.»

محدودیتهای روابط با روسیه از یکطرف و پیشنهادات حکومت برتانیه در مورد قرارداد جدید بین امیرحبیب الله خان و مقامات هند برتانوی از طرف دیگر موجب بروز مشکلات گردید و امیر در برابر آن مقاومت میکرد که در اثر آن روابط با برتانیه دچار مشکل گردید. ابا ورزی برتانیه از تادیبه مستمری به امیرحبیب الله خان بر این مشکلات می افزود و امیر جدید تنها میتواند از سهمیه مستمری پدر خود که نزد حکومت هند گذاشته شده بود، استفاده کند. امیرحبیب الله خان در نامه ای از این بابت به حکومت هند شکایت کرد و به نایب السلطنه هند برتانوی خاطر نشان ساخت: «در صورتیکه من مستحق مستمری و مدد خرج نیستم، میخواهم بدانم که در اثر کدام معاهده حکومت هند اصرار دارد روابط بین افغانستان و روسیه را کنترل کند. اگر معاهدات سابق از اعتبار ساقط است، بهمان منوال معاهده دیورند نیز بیش از این معتبر نخواهد بود.» (مأخذ بالا... صفحه 46 - 47)

پاسخ به این سؤال برای حکومت هند در حقیقت یک موضوع بسیار مشکل بود و به همین دلیل نایب السلطنه لاردر امتهیل Lord Amptill به امیرپیشنهاد کرد تا جهت رفع مشکلات یک افسر عالیرتبه برتانوی را به کابل اعزام دارد و امیر این پیشنهاد را قبول نمود. لاردر در نظر داشت شرایط سنگین را بر امیر تحمیل کند، اما حکومت برتانیه به نایب السلطنه هند برتانوی توصیه کرد تا با امیر کنار آید و بکوشد امیر را با آنچه در معاهده قبلی گنجانیده شده بود، راضی نگهدارد و از پیشنهادات سختگیرانه صرف نظر کند. به این اساس حکومت برتانیه به لوپس دن L. Dane رئیس هیئت هند برتانوی در کابل نامه فرستاد تا زمینه تجدید معاهده سابق را با امیر فراهم سازد. پس از این همه جنجال ها نماینده مذکور به امیر اطمینان داد: «تا زمانیکه کردار و اعمال امیر قناعت بخش باشد، مستمری ادامه داشته و تسهیلات برای ورود اسلحه به افغانستان فراهم خواهد شد، در عوض این امداد برتانیه از امیر میخواهد تا در موارد ذیل موافقه کند: 1 - اداره و کنترل روابط خارجی، 2 - توطئه نکردن با قبایل سرحدی، 3 - تأمین قدرتی که با برتانیه دوست بوده و سد راه پیشرفت روسیه گردد، 4 - فراهم آوری تسهیلات تجارتي» (مأخذ بالا... صفحه 59)

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

به این اساس مذاکرات با اشتراک دن، دابس و گرانت بتاريخ 24 قوس 1283 (15 دسمبر 1904م) در قصر امیر در کابل آغاز گردید و تا ماه حمل 1284ش (مارچ 1905م) بطور خسته کن ادامه یافت. امیر باردیگر تکرار کرد که: «وی روابط سیاسی افغانستان را با دول خارجی از طریق برتانیه عملی میکند و از برتانیه بدان طریق استعانت می جوید که به حیثیت مذهبی و عزت نفس او صدمه نزند. امیر خطر روسیه را بیشتر از زمان پدرس می پنداشت و وعده داد نظرش را در مورد پیشنهادات "دن" بطور کتبی تقدیم خواهد کرد.» امیر موضوع را به یک شورای بزرگ جهت غورارجاع کرد و شورا نظریات امیر را تأیید نمود که با این ترتیب اختلاف نظر بین امیر و هیئت برتانوی حل نگردید و در نتیجه خطر برهم خوردن مذاکرات متصور بود. در این وقت حکومت برتانیای به دن هدایت داد تا نظریات امیر را بپذیرد و در اثر این نرمش و بعد از مباحثات زیاد بالاخره بتاريخ 21 مارچ 1905 معاهده بین امیر و نماینده برتانیه در کابل امضاء شد.

در نتیجه این معاهده موضوع کنترل و اداره روابط خارجی افغانستان در دست انگلیس ادامه یافت، برتانیه آماده بود بعضی ارتباطات محلی غیرسیاسی را در سرحد افغان - روس اجازه دهد، لکن انگلیسها در عین زمان از امیر توقع داشتند پیشنهاد مبنی بر اینکه چطور رابطه با روس ها را کنترل کند، حکومت هند اطلاع دهد... اعانه و مستمری باقیمانده بدون عوض به امیر پرداخته شد... مسئله توريد اسلحه به افغانستان بهمان حالت قبلی باقی ماند یعنی در معاهده جدید محدودیت ها و قیودی بر آن گذاشته نشد... برای نماینده برتانیه در کابل اجازه تماس با افسران عالیرتبه افغانی داده شد و قید موجودیت گارد افغانی در مدخل نمایندگی برتانیه در کابل بر طرف گردید ... امیر وعده سپرد که روش پدرش را در باره روابط با قبایل سرحدی مرعی دارد. (مأخذ بالا ... صفحه 78 - 79)

از شرح مختصر فوق واضح میگردد که باوجود رفع معضلات جاری و رسیدن به یک تفاهم نسبی با امیر، انگلیسها روابط خود را با امیر و برادرش سردار نصرالله خان که با انگلیس مخالف بود، در آینده دچار خطر و بی ثباتی می دیدند و همان تشویش کرزن که حین دیدار با امیر عبدالرحمن خان در باره جانشین او پرسیده بود، قدم بقدم روبه تحقق میرفت، لذا اعتماد انگلیس ها به امیر حبیب الله خان و ادامه سلطنت برخاندان او روبروز کم شده میرفت. در عین زمان ورود خانواده سردار یحیی خان و تبارز روزافزون این خانواده در دربار امیر، این ذهنیت قدیمی را تقویه میکرد که باید برای رفع خطرات احتمالی در آینده در جستجوی یک بدیل مورد اطمینان و مطلوب خود برای سلطنت آینده افغانستان برآیند که این بدیل باید از سلاله محمدزائی، اما رقیب با دودمان امیر دوست محمد خان باشد. با این مأمول هیچ خانواده ای مساعدتر از خانواده سردار یحیی خان نبود، زیرا آنها از یکطرف که در مدت طولانی اقامت در تبعیدگاه دیره دون با اطاعت به انگلیسها و زندگی در قید آنها عادت کرده و امتحان خود را داده بودند و از طرف دیگر با برگشت در افغانستان توانسته بودند زمینه های تبارز خویش را در دربار و رسیدن به مقامهای بلند نیز به سهولت فراهم نمایند.

وصلت دختر سردار یوسف خان با امیر وسیله قرب مزید خانواده با دربار:

مدتی بعد از وفات امیر عبدالرحمن خان زمینه دیدار با امیر جدید فراهم گردید و طوریکه علامه فیض محمد کاتب می نویسد: «در این ایام سردار یحیی خان پسر سردار سلطان محمد خان که با سردار محمد آصف خان و محمد یوسف خان پسران و محمدنادر خان و محمد سلیمان خان و شاه ولی خان و محمود خان و احمدشاه خان و احمدعلی خان و غیره نبایر و نوادگان خود، چنانچه گذشت بیست و پنج هزار روپیه کددار از دولت قرض گرفته از دیره دون در کابل آمد و از روی قضیه ارتحال [وفات] امیر

مرحوم [عبدالرحمن خان] سررشته انتظام مهام معاش شان به تعویق افتاد، مورد الطاف خسروانه شده از جمله بیست و پنج هزارروپیه که قرض گرفته بود، پنج هزار را موهبت [بخشش] فرموده و بیست هزارباقی ازبابت بهای باغ و سرای واقع دیره دون او فرمان مجرای ارقام وامضا نمود.» ("سراج التواریخ"، جلد چهارم - بخش دوم، صفحه 209 - 210)

با این ترتیب روابط خانواده سردار یحیی خان با امیرحبیب الله خان صمیمانه شد و امیر سردار یوسف خان و سردار آصف خان را به حیث مصاحبان خاص خود عزم مقام بخشید و هر دو شامل ارکان دربار امیر شدند. سردار یحیی خان هنوز زنده و اما سخت مریض بود که امیر تصمیم گرفت دختر سردار محمد یوسف خان را در حباله نکاح خود در آورد. با اینکار شایعه ای در کابل پخش شد که گویا سردار یوسف خان برای تقرب به دربار دختر خود را پیشکش نمود، اما سردار اسدالله خان سراج پسر امیر از بطن "محبوب سلطان" سالها بعد با نشر فرمان امیر مبنی بر خواستگاری از موصوفه کوشید تا به این شایعه عام پایان دهد و اصل متن این فرمان به خط و امضای امیر در کتاب خود به نشر سپرد. او در یک قسمت کتاب خود در این ارتباط تذکر داده است که: «مدتی بعد از آمدن عائله سردار یحیی خان به کابل می گذشت و طبعاً آمد و شد و آمیزش با دیگر فامیل ها و خانم های دربار برقرار گردیده بود. ضمن این دیدار و بازدیدها تعریف و توصیف دختر سردار محمد یوسف خان خواهر محمدنادر خان "محبوب سلطان" را که زیبا، تحصیل یافته، خوش صحبت و خوش مشرب بود، بالا گرفت و به گوش مادر امیر و سلسله به خود امیر رسید و همان بود سردار عبدالقدوس خان که عم سرداران نیز می شد، مامور بانجام خواستگاری گردید.»

در یک قسمت این فرمان که عنوانی سردار عبدالقدوس خان بتاریخ 20 ماه محرم سال 1320 هجری (1281ش - 1902م) نوشته شده، آمده است: «همانطوریکه قوم و استخوان شریک هستیم، خون شریک هم شویم، بنابراین میخواهم دختر اخوی سردار محمد یوسف خان پسر عم سردار یحیی خان را جهت خود بنکاح شرعی بگیرم. اگرچه خود شما کاکای آنها میشوید، اما از طرف داماد خیل که من باشم، [وکیل] میباشید....خواستگاری کنید و بقرار رواج عالم جهت من مسامت مذکوره را بگیرید و بعمل ده بجه با اسامی حاضر حضور من شوید، در برج شمالی، ان شاء الله تعالی.» در این هیئت خواستگاری بر علاوه سردار عبدالقدوس خان اسم هفت نفر بزرگان دیگر به شمول چهار ملای دربار نیز مشخص گردیده است. (متن مکمل فرمان دیده شود: سراج، اسدالله - "رویدادهای مهم زندگی اعلیحضرت محمدنادر شاه شهید"، کابل، 1388، صفحه 7 - 8)

درباره ازدواجهای قبلی امیر حبیب الله خان سراج در ایام شهادت قابل ذکر است که امیر عبدالرحمن خان با آنکه ازدواجهای خودش هیچ یک روی مصلحت های سیاسی صورت نگرفت، طوریکه بین اکثر اسلاف او رایج بود، و اما او کوشید در زمان سلطنت خود با ازدواجهای مصلحتی سیاسی موقعیت جانشین خود را استحکام بخشد. امیر عبدالرحمن خان در این مورد می نویسد: «چون تخت سلطنت بطور واقعی در تسلط رؤسای ملت میباشد، من سعی کردم بعضی از خانواده های خیلی معتنای این مملکت را با پسر بزرگ خود (حبیب الله خان) بستگی داده و دخترهای بعضی اشخاص بزرگ ملت را به جهت او تزویج نموده ام.» امیر در ادامه از هفت زنی نام میبرد که در زمان حیات خود برای حبیب الله خان ولیعهدش روی مصلحت های سیاسی عقد کرده است که یکی از آنها ملکه رسمی دربار ملقب به علیاحضرت "سرور سلطان" صبیبه لویناب شاغاسی شیردل خان بارکزائی و مادر شاه امان الله غازی بود که در 15 سالگی در حباله نکاح شهزاده حبیب الله خان (21 ساله) در سال 1267 ش (1888م) درآمد. وقتی شهزاده موصوف بجای پدر به سلطنت رسید، یکی از زنانش فوت کرد و دو زن دیگر

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

خود را برطبق قوانین اسلامی طلاق داد، اما دیری نگذشت که طالب ازدواج با دختر سردار محمد یوسف خان گردید و از آن به بعد شمار زنان امیراعم از نکاحی، سیرتی و کنیز بسیار افزوده شد که به قول بعضی ها مجموع حرم امیر به بیش از 50 تن میرسید. نا گفته نماند که حاصل ازدواج امیر با "محبوب سلطان" بعداً ملقب به "علیا جناب" یک پسر، سردار اسدالله خان سراج (یگانه خواهرزاده ناز پرور محمد نادرخان) بود که بعد از گذشت هفت سال از ازدواج امیر با موصوفه در سال 1328 هجری (1289ش - 1910م) بدنیا آمد.

با این ازدواج روابط امیر با خانواده سرداریحیی خان مرحوم بیش از پیش تقویه گردید، طوریکه به عزت و اکرام سردار محمدیوسف خان و سردار محمد آصف خان به حیث مصاحبان خاص امیر بسیار افزوده شد و در عین زمان زمینه عروج جوانان خانواده به مقامها و مناصب بلند در دولت فراهم گردید و هریک آنها توانستند به سرعت مدارج ارتقا و تعالی را طی نمایند. از جمله مهمترین و بارزترین آنها یکی هم محمد نادرخان بود که در سال 1262ش (1885م) در دیره دون متولد و در سن 16 سالگی از تبعیدگاه با خانواده باراول در سال 1280ش (1901م) پا بوطن گذاشت، و در سلک عسکری شامل خدمت شد، در سال 1282ش به رتبه کندکمشری، در 1284ش به رتبه غندمشری، در سال 1287 به رتبه جنرالی، در سال 1291 بعد از موفقیت در رفع شورش سمت جنوبی به رتبه نایب سالاری و سپس در سال 1293ش به سن 31 سالگی در ظرف 15سال به عالیترین رتبه نظامی سپهسالاری در عصر سراجیه ارتقا نمود که البته راجع به نقش او در وظایف و رویداد های مهم دیگر بعداً به تفصیل بیان خواهد شد.



صف نشسته از راست به چپ: سپهسالار محمد نادرخان، محمد سلیمان خان، سردار محمد آصف خان، سردار محمدیوسف خان، محمد عزیزخان؛ در صف ایستاده از راست به چپ: محمد علی خان، شاه ولی خان، احمدشاه خان، محمد هاشم خان و شاه محمود خان. (فوتوی تاریخی فوق باراول در شماره 21 سال سوم سراج الاخبار افغانستانی مورخ 18 سرطان 1293 به چاپ رسیده و سپس در کتاب "نادر افغان" در صفحه 90 بازنشر گردیده است.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

از جمله فرزندان سردار محمدیوسف خان مصاحب خاص امیر در سال 1293 ذوات ذیل در مقامها نظامی و ملکی ایفای وظیفه میکردند:- سردار محمد عزیز خان شاغاسی خارجه حضور (متولد سال 1877م)، - سردار محمد هاشم خان نخست سرسروس حضور و بعد نایب سالار نظامی هرات (متولد سال 1886م)، - سردار محمد علی خان کرنیل رساله شاهی (متولد سال ؟)، - سردار شاه ولی خان رکاب باشی حضور (متولد سال 1888م)، - سردار شاه محمود خان سرخان اسپور حضور (متولد سال 1890م)؛ و از جمله فرزندان سردار محمد آصف خان مصاحب خاص امیر: - سردار محمد سلیمان خان شاغاسی نظامی امیر و بعد به حیث نایب سالار ملکی نایب الحکومه هرات (متولد سال 1885م) و سردار احمد شاه خان سرمیر اسپور حضور (متولد سال 1889م). (کتاب: "نادر افغان" جلد اول، کابل، میزان 1310 ش، صفحه 89 - 90 و سالهای تولد هریک از کتاب "شخصیت های سیاسی و تاریخی افغانستان"، تألیف لودویک آدامک از صفحات مربوطه گرفته شده و سوانح مختصر هریک نیز درج آن کتاب میباشد)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیبرلو مخکې په خیر و لولئ